



هلاکت هشام بن عبدالملك

هشام بن عبدالملك، دهمین خلیفه اموی، در شعبان سال 105 قمری پس از مرگ برادرش یزید بن عبدالملك به منصب خلافت و حکومت نایل آمد.

هلاکت هشام بن عبدالملك در سال 125 هجری قمری

هشام بن عبدالملك، دهمین خلیفه اموی، در شعبان سال 105 قمری پس از مرگ برادرش یزید بن عبدالملك به منصب خلافت و حکومت نایل آمد.

وی، حاکمی جاه طلب و تنگ نظر بود و برای ارضای هواهای نفسانی خویش بسیاری از شهرها، اقوام و ملت‌ها را مورد تاخت و تاز سپاهیان جنایت کار خویش قرار داد و تعداد بی‌شماری از مسلمانان و غیر مسلمانان را با بهانه‌هایی غیر منطقی و غیر اخلاقی، از میان برد.

یعقوبی، مؤرخ نامدار اهل سنت درباره شخصیت اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری وی نوشت: و کان هشام من أحزم بنی امیه و أرجلهم، و کان بخیلًا، حسودًا، فظًا، غلیظًا، ظلومًا، شدید القسوة، بعید الرحمة، طویل اللسان.

یعنی: هشام از افراد برجسته و از مردان نامور بنی امیه بود. او مردی بخیل، حسود، خشن، سخت گیر، ستم گر، سنگ دل، بی‌رحم و دراز زبان بود.

هشام بن عبدالملك با اهل بیت(ع) و علویان آزاد مرد، کینه و دشمنی دیرینه‌ای داشت و اسباب سختی و آزار آنان را فراهم می‌کرد و دست حاکمان و عاملان خویش در حجاز و عراق را در اعمال فشار و سخت‌گیری آنان، باز می‌گذاشت.

امام پنجم شیعیان، حضرت امام محمدباقر(ع) از سوی این خلیفه نابکار، سختی‌ها و فشارهای زیادی را تحمل نمود و سرانجام در سال 114 قمری، به دسیسه و دستور هشام و به توسط ابراهیم بن ولید بن عبدالملك، عامل خلیفه در مدینه، به شهادت رسید.

به خاطر طولانی بودن خلافت هشام، رویدادهای فراوانی در عصر وی، به ثبت و ضبط رسید و در منابع تاریخی ذکر شد.

از جمله بیماری طاعون در میان مسلمانان شایع شد و تعداد بی‌شماری از مردم و حیوانات آنان را از میان برد.

به هر روی، هشام بن عبدالملك، به روایت "یعقوبی" پس از نوزده سال و هفت ماه حکومت، در روز چهارشنبه، نهم ربیع الاول و به روایت نویسندگان "الفتوح" در ششم ربیع الاول و به روایت "ابن اثیر" در ششم ربیع الآخر سال 125 قمری و در 53 سالگی و به روایتی در 61 سالگی به هلاکت رسید و پس از وی، برادرزاده‌اش ولید بن یزید به خلافت نایل آمد و مأموران ولید، بی‌درنگ خزانه‌های حکومتی و دارایی‌های دربار را تصاحب کرده و از هزینه کردن مخارج کفن و دفن هشام، جلوگیری نمودند. بدین جهت، بدن هشام بدون کفن ماند و کسی حاضر به کفن دادن وی نشد، تا این که یکی از غلامان وی، کفنی تهیه کرد و بدنش را با آن پوشاند. سپس بدن وی را در رصافه شام، در همان شهری که در آن به هلاکت رسید، به خاک سپردند.